



۷۴۳

علی باباجاهی : جریانهای شعری از دهه چهل تا امروز

نامه پارسی

شعر نوروز (کتی صالح ایزدخواست) - من فریاد فرهادم (سیروس نیا)
در سوگ فرهاد (سعید) - زمانی که خندیدن افتخاری بود (عباس
- نامه و دو شعر (ک. شالی) - مهمان و اسپین منوچهر، مرگ
(اسماعیل خوشی) - شعر آزرده (کتی صالح ایزدخواست) -
جای شگفتی دارد نه تردید (نجف دریا بندری) - دودستان کوتاه
(صادق هدایت) - همانی نشدیم که میخواستیم (آیدین آغداشلو)
جریانهای شعری از دهه ۴۰ تا امروز (علی باباجاهی) - نمایشنامه
(علی عبدالخالق) - داستان کوتاه (اسداله شهریاری) .

xalvat.com

بهار ۱۳۷۰

جریانهای شعری از دهه ۴۰ تا امروز



علی باهاجی

شعر نوایران در قرن حاضر، موضوع گزارش و مطالعه سیستماتیکی است که نخستین بخش آن در شماره گذشته به چاپ رسید. در این بخش نویسنده، از سالهای ۴۰ به بعد را بررسی می‌کند. لازم به توضیح است که در این مقاله، آوردن نام تمامی شاعران دوره‌های مختلف نه مقدر، نه عملی بوده است، پس تنها به ذکر نام چندتن از آنها بسنده می‌شود.

xalvat.com

"وزن باید از نو ساخته شود و چیزی که وزن را می‌سازد باید اداره‌کننده وزن باشد"^{۱۹} فروغ که خود مدت‌ها در حوزه تأثیرپذیری شاعرانی مثل توللی و نادرپور قرار دارد، بر شاعران هم‌نسل و نسل پس از خود تأثیر عمیقی می‌گذارد تا جایی که تنوع بخشیدن به وزن و ایجاد ظرفیت‌های جدید موسیقایی شعر از طریق آن به پیروی از فروغ، اساس کار برخی از این شاعران قرار می‌گیرد. م. آزاد و اسماعیل خوبی در همین زمینه دست به تجربه‌هایی می‌زنند. شاعران دیگری نیز مثل طاهره صفارزاده و جعفر کوش‌آبادی، سیروس مشققی و اصغر واقدی از همین چشم‌انداز و با نزدیک ساختن زبان شعرشان با واقعیت‌های مشهود، بر ضربان شعر خود می‌افزایند. صفارزاده در تلاش پیگیر خود به انعطاف‌هایی در وزن دست می‌یابد. او بدنبال جستجوهای شاعرانه‌اش به "شعر گانکریت" نیز می‌رسد

در سال‌های ۴۰ تا ۵۰ شاعرانی مثل سهراب سپهری، م. آزاد، منوچهر آتشی، رویایی، نیستانی، اسماعیل خوبی، طاهره صفارزاده و فروغ فرخزاد که در سال‌های پیش نیز فعالند، بیشتر مشخص می‌شوند.

فروغ‌زدگی

فروغ پس از رها کردن شعر سیاه و سنت چهارپاره‌سرایی در سه کتاب اولش، در "تولد دیگر" به ابعاد جدیدی در تفکر و زبان شعر دست می‌یابد. او که شاعر عشق و مرگ است، با کشف ظرفیت‌های کلمات به اصطلاح غیرشاعرانه و با انعطاف بخشیدن به اوزان شعر و گریز از قراردادهای عروض نیمایی، حرکتی ضدقراردادی در وزن و در زبان شعرش انجام می‌دهد. فروغ معتقد است که:

(شعری که معمولا در ساختن پوسترا استفاده می‌شود و درحقیقت یک‌نوع همگاری است بین نقاش و شاعر - حرکت و دیروز ص ۱۵۲) . این شاعر ، بعدها راه و رسم شعری خاص خودش را پیدا می‌کند . اسماعیل خوبی نیز به پیروی از فروغ به تنوع وزن شعر خود علاقه نشان می‌دهد . منوچهر آتشی هم بطور بسیار خفیفی در برخی از شعرهایش به صمیمیت شعر فروغ رشک می‌ورزد و ناخودآگاه از او تاثیر می‌گیرد . علاوه بر این فروغ پس از مرگ خود یعنی در سال ۴۶ بر شاعره‌های جوان (فروغ میلانی ، شهین رضوی ، فخری توشانلو ، پروین صداقت‌زاده ، فرشته قراچه‌داغی ، زیلا مساعد ، مهوش مساعد ، پروانه میلانی ، پوران فرخزاد ، مهین مهربار ، پروانه مهین) حداقل از نظر نگرش به مسایل ، تاثیر محسوسی می‌گذارد . و بدین ترتیب فروغ‌زدگی یا فرخزادگرایی در شعر معاصر مطرح می‌شود.^۲

کلمات محلی در شعر امروز

بعد از نیما ، منوچهر آتشی از شاعرانی است که با شناخت درست محیط جنوب و درک ظرفیت‌های کلمات محلی ، از مکانیسم آنها در شعر خود استفاده می‌کند . تخیل نو و نیرومند آتشی به این واژه‌های مهجور جان می‌بخشد : " . . . در تپه‌های آنسوی گزدان - در کنده تناور " خرگ " ی از روزگار خون - ماری دوسر به چله - لمیده است (آواز خاک ص ۱۲۴) .

عرفان‌گرایی (شعر محض)

سهراب سپهری پس از " آوار آفتاب " (۱۳۴۰) به مرز تازه‌ای از زبان و تفکر می‌رسد - صدای پای آب (۱۳۴۴) و بعد تشخیص فکری خود و کشف روابط جدید واژه‌ها را در حجم سبز (۱۳۴۶) به نمایش می‌گذارد و در کتاب اخیر به فضایی متفاوت و مستقل در شعر دست می‌یابد . سپهری مورد ستایش و همچنین انکار صاحب‌نظران و علاقه‌مندان مسایل شعر و ادبیات امروز قرار می‌گیرد . رضا براهنی ، نادرپور و

عبدالعلی دستغیب مطالب مختلفی در زمینه شعر این شاعر مطرح می‌کنند^۳ . شعر سپهری از نظر لفظ و معنا با شعر فروغ قرابت‌هایی دارد ، اما سپهری بیشتر بر محورهای خاص شعرش ه بشردوستی همه‌طبیقاتی (اومانیزم) ، " نیکی بودایی " ، که نتیجه برداشت‌های شاعرانه او از فلسفه‌های شرق است اصرار می‌ورزد . تا آنجا که شعر او به عنوان سرآغاز جریان شعر عرفانی امروز مطرح می‌شود و از همین طریق با خوانندگان ارتباط برقرار می‌کند و بر شاعران جوان ، تاثیر می‌گذارد . رد این تاثیرگذاری را می‌توان تا سال‌های اخیر نیز در شعر شاعران دنبال کرد . اما شاعرانی که از سپهری تاثیر می‌پذیرند (بهمن صالحی ، سهرس مشفق ، عزت‌الله زنگنه) ، برخلاف او مقید به ارائه شعر محض نیستند (شعری که از واقعیت‌ها گریزان است) بلکه شیفته " روابط جدید کلمات و جریان وزن در شعر سپهری هستند .

" نور در کاسه " مس - چه نوازش‌ها می‌ریزد - نردبان از سر دیوار بلند ، صبح را روی زمین می‌آرد - پشت لیخندی پنهان هرجیز . . . حجم سبز ص ۱۱ "

تا به چهره‌های جوان‌تر این سال‌ها برسیم باید از شاعرانی یاد کنیم که پیش از این و به موازات چاپ آثاری از بدالله رویایی ، فرخ تمیمی ، مفتون امینی ، حشمت جزینی اشعاری از آنان در نشریات و جنگ‌ها دیده می‌شود . شاعرانی مثل هوشنگ بادیه‌نشین ، محمدرضا نعمتی ، صهبا مقداری ، مصطفی رحیمی ، هوشنگ گلشیری ، نودر ، یرنگ و محمد حقوقی ، شاعرانی که هر یک تجربیاتی را پشت سر دارند . بعد از این شاعران نوبت به " نوخیزان " می‌رسد .

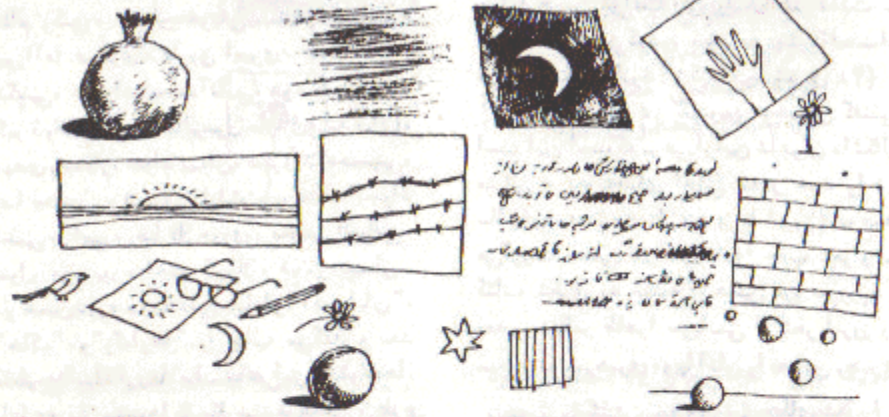
xalvat.com

نوخیزان

نوخیزان جریان خاص و یکدستی در



salvat.com



مجابی، کاظم سادات اشکوری، سیروس مشفق، منصور اوجی، پرویز پروین، رحمان کریمی، مینا اسدی، محمود سجادی، علیرضا نوریزاده، فتح الله شکیبایی، فریدون فریاد، فرهاد شیبانی، محمدرضا فتاهی، عمران صلاحی، فرهاد عابدینی، کیومرث منشیزاده، حمید مصدق، غلامحسین سالمی، عزت الله زنگنه، ایرج کیانی، داود رمزی، محمود کیانوش، جواد محبت، بیژن کلکی، سیاوش مطهری، نادر ابراهیمی، اسماعیل رها، علیرضا طبایی، حسن ندیمی، میمنت میرصادقی، نجدی سمعی. شاعران جوان دیگری نیز که در همین دوره شعر و کتاب شعر چاپ می کنند با همین جریان درمی آمیزند: لایلا کسری، حسن ندیمی، اصغر واقدی، عبدالله کوثری، علی میرفطروس، جعفر حمیدی، سیدعلی صالحی، شهبان حنانه، مینا دستغیب، حمزه موسوی پور، ابوالقاسم ایرانی، اورنگ خضرابی، ضیا موحد، مهرانگیز مالکی، محمد خلیلی، جلال سرفراز، بهمن

شعر معاصر شعرده نمی شود بلکه بیشتر به عنوان یک مبدا تقویمی در شعر امروز مطرح است. در سال ۱۳۴۴ سیروس طاهباز زیر عنوان "نوخیزان" از چند شاعر جوان اشعاری را به چاپ می رساند. شاعرانی که هر یک مسئول زبان و فضای خاص شعر خودشان هستند: احمدرضا احمدی، محمدرضا اصلانی، علی باباچاهی، رضا براهنی، اسماعیل نوری علا، پرویز خائفی، م - ع - سپانلو، بهمن صالحی، طاهره صفارزاده، فریده فرجام، جعفر کوش آبادی، هوشنگ گلشیری، مفتون امینی، صالح وحدت.

از این میان گلشیری و مفتون امینی قبل از این تاریخ نیز مطرح اند و شاعران دیگری نیز با توجه به مبدا تقویمی این عنوان، باید به مجموعه نام این شاعران افزوده شوند: شفیع کدکئی، م - آرزوم، منصور برمکی، عبدالعلی دستغیب، غلامحسین متین، حسین منزوی، علی موسوی گرمارودی، محمد مختاری، غلامحسین نصیری پور، عظیم خلیلی، جواد

فرسی، محمد اسدپان، جواد طالعی، حسن کریمی، محمدتقی کریمیان، کاظم کریمیان، حسن بایرامی، محسن کریمی، پرویز کریمی، سیروس شمیسنا، حسن شهیری، رقیه کاویانی، محمد آذری، م طاهر نوکنده، صفورا نیری، نظام رکنی، عدنان غریفی، محمود طباری، میرزا آقا عسکری، فاروق امیری، عبدالمحید زنگویی، شیرزاد محمدآقایی، هوشنگ رئوف، اکبر ذوالقرنین، عبدالرسول حامدی (زنده یاد)، مهدی رستگار، جواد پیمان، مهتری شاه حسینی، رضا معینی، فیروز ناپلثونی، عبدالجواد محبی، رامی، رضا فلاچوری، محسن الهامی، بتول عزیزپور، احمد کسبلا، ف. ر. نیسان. در همین دوره محمدعلی سپانلو "آه بیابان"، "خاک" و "رگبارها" را چاپ می‌کند و بعد منظومه "پهاده‌روها" را. شاعران مجموعه‌ها، با توجه به سنت‌ها و مواریت فرهنگی و طرح حوادث تاریخی و تعمق در آنها به زبانی پیچیده و سنگین دست می‌یابد و از این طریق به پیشواز کلماتی می‌رود که ظاهراً غیرشاعرانه و تاحدی ضدشاعرانه‌اند... سپانلو این خصوصیت را در شعرهای بعدی‌اش نیز تاحدودی دنبال می‌کند تا جایی که او را هم از طرفی می‌توان صادرکننده جواز حیات ادبی پارهای از کلمات غیرمانوس در شعر امروز فارسی دانست، کلماتی که از دیروز و امروز برمی‌خیزند و به نحوی با هم آشتی و سپس همکاری می‌کنند. کاری که برخی از شاعران پس از نیما - نصرت رحمانی (با کلمات روزمره)، آتشی (با کلمات محلی)، فروغ (با کلمات شهری)، بدالله رویایی (با کلمات اداری) به نوعی انجام می‌دهند.

شعر ریاضی

کیومرث منشی‌زاده نیز از میان نوپخیزان به چاپ شعرهایی می‌پردازد که تفاوت آشکاری با شعر دیگرهمسلمان خود دارد. او به وارد کردن فورمولهای ریاضی در شعر خود دلبستگی

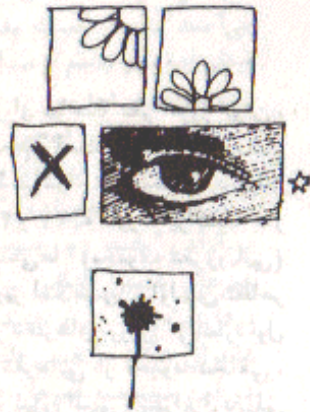
نشان می‌دهد. طبعاً شاعر بر این عقیده است که فضای جسارت‌آمیز شعرش، کمپوزسیون خاص خودش را عرضه می‌کند: "زاویه‌های مثلث - از تهمت B قائمه بودن - ابراز خستگی می‌کنند - موشک - آبی‌های آسمان را سوراخ کرده است - آیا جنین شرافت این را خواهد داشت - که با حلق‌آویز کردن خود به بند ناف - از موشک انتقام بگیرد؟" (کتاب خوشه ص ۴۸)

مطلبی که در خصوص نوخیزان گفتنی است این است که برخی از این شاعران، اشکال مترقی و نمونه‌های اصلی شعر خود را در سالهای بعد (۵۰ تا ۵۷ و تا امروز) بوجود می‌آورند بعضی نیز در سایه چاپ شعر و با کتاب شعری به خلسه‌ای عمیق فرو می‌روند. بعضی دیگر ظاهراً جریانی از شعر امروز را - موج نو - رهبری، و با آنان را به این رهبری منسوب می‌کنند. عده‌ای نیز عطای شعر را به لقایش نمی‌بخشند و از این عمل دست می‌کشند. ناکفته پیداست که سایه شعر شاعرانی مثل شاملو، فروغ (تا ۴۵)، اخوان، نادرپور و شاهرودی و سپهری و نصرت رحمانی بر سر این سالها به چشم می‌خورد و آتشی و کسرابی و مشیری و... نیز همچنان در کار آفرینش شعرهایشان هستند. مثلاً اخوان "از این اوستا ۴۶" را چاپ می‌کند و نصرت رحمانی "مه‌باد در لجن" و "حریق باد" و "درو" و...

موج نو

در سال ۱۳۴۰ تعدادی از شاعران جوان بی‌توجه به تجارب و دستاوردهای شعر کهن و مبانی شعر نیمایی، شعری را به وجود می‌آورند که موج نو نامگذاری می‌شود. اسماعیل نوری‌علا که از طرفداران پروپاقرص موج نو است مبدا این حرکت تازه را انتشار کتاب "طرح" احمد رضا احمدی می‌داند. به زعم او، با انتشار کتاب دیگری از این شاعر - روزنامه "شیشه‌ای" - این نوع شعر بیشتر شناسانده می‌شود.^{۲۲} مهرداد صدقی نیز به دفاع از موج نو برمی‌خیزد^{۲۳}

xalvat.com



ه / فروغ فرخ زاد، حتی پس
از مرگ بر بسیاری از شاعران
و شاعرها تاء شیر گذاشت.

ه / نوخیزان از سال ۱۳۴۴ با
معرفی طاهباز، نام جریان و
گروه خاصی شد با بیان و
اندیشمای مخصوص خود

xalvat.com

"مگر بوتین‌های سیاه شب را نمی‌خورند؟
- شب که مسلح به تاریکی بود - از صدای
نوزاد یک شکوفه - یک گوسفند و یک نوزاد
انسانی می‌شکفت"^{۲۱}
شاعران موج نو به چند شاخه می‌شوند
۱- "نثرگرایان اصیل" (احمدرضا احمدی،
محمدرضا اصلانی، مجید نفیسی، شاهرخ
صفایی، شهرام شاهرختاش، فریدون معزی مقدم
م. نوقل، محمدرضا فشاهی،) که بعدها به
جامعه‌شناسی می‌پردازد، عظیم خلیلی (که
راه دیگری را در شعر برمی‌گزیند) ۲-
"نظم‌گرایان اصیل" (حواد مجابی که راه
دیگری را در شعر دنبال می‌کند) حسین
مهدوی "م. مویذ" ۳- "نثرگرایان مشکل‌گو"
(احمدی، بیژن الهی، بهرام اردبیلی،
حسین رسایل، هوتن نجات، حمید عرفان،
پرویز اسلامپور ۴- "نظم‌گرایان مشکل‌گو"
بدالله رویایی"^{۲۲} با این همه شاعران موج
نو چند سال بعد پراکنده می‌شوند و ظاهراً
بازار آنها از رونق می‌افتد. اما احمدرضا
احمدی براه خود همچنان ادامه می‌دهد.

"جزوه" شعر" که در سال ۴۵ منتشر می‌شود
عرضه‌کننده انتعاری از این شاعران است،
احمدرضا احمدی درباره موج نو می‌نویسد:
"... شعر امروز ایران با قضاوت قرار و وعده
ملاقات ندارد..."^{۲۵} این شاعر در مورد وزن
معتقد است که بدون وزن "البته یک مقدار
محدودیت ایجاد می‌شود اما من حاضر نیستم
یک کلمه را بخاطر وزن بکشم، من وزن را
می‌کشم"^{۲۴} بعضی‌ها شعر احمدرضا احمدی را
فرزند شعر احمد شاملو و شهراب سپهری
می‌دانند که از اشعار ترجمه شده غربی نیز
تأثیر پذیرفته است.^{۲۷}

فروغ فرخزاد در زمینه "موج نو کار
احمدرضا احمدی و بیژن الهی را بیشتر
می‌پسندد و معتقد است که شعر این دو شاعر
احتیاج به وزن ندارد"^{۲۸} بدالله رویایی نیز با
این موج مخالفتی نشان نمی‌دهد^{۲۹} و برخی نیز
- رضا براهنی و... - بطور مشروط با آن
برخورد می‌کنند!^{۳۰} عبدالعلی دستغیب و داریوش
آشوری، موج نو را شدیداً مورد حمله و انتقاد
قرار می‌دهند و آنرا نوعی بازیگوشی ادبی و
عصیان بازی و بالاخره علف هرز تلقی می‌کنند
و برای این نوع شعر معنایی قائل نیستند.

شعر حجم

یکی دیگر از مباحث شعر امروز ایران، پیدایش "شعر حجم" است که آغاز آن به قبل از سال ۵۰ مربوط می‌شود. شعر حجم "زندگی‌اش را از سالهای ۴۶ و ۴۷ به صورت پراکنده آغاز می‌کند. در "دلتنگی‌ها" (مجموعه شعر روایی) و کتابی از پرویز اسلامپور و اولین تظاهر گروهی‌اش را در دفترهای "روزن" (شماره اول و سوم) و در شعرهایی از محمود شجاعی، پرویز اسلامپور، بیژن الهی، بهرام اردبیلی و بدالله رویایی. ادامه این حرکت با نام حجم‌گرایی اولین بار در شماره دوم دفتر "شعر دیگر" تظاهر می‌کند.^{۲۴} شعر حجم برای خودش دارای بیانیه‌ای است: "حجم‌گرایی آنها را گروه می‌کند که در ماورا واقعیت به جستجوی دریافت‌های مطلق و فوری و بی‌تسکین‌اند. و عطش این دریافت‌ها هر جستجوی دیگری را باطل می‌کند."^{۲۵} پیشروان شعر حجم معتقدند که: "حجم‌گرایی مکتب نیست، ظرفیت گسترده‌ای دارد که به شاعر کمک می‌کند تا طبیعت خود و تربیت خود را پیدا کند و بروز دهد."^{۲۵} امضاکنندگان مانیفست شعر حجم عقیده دارند که: "شعر حجم از دروغ ایدئولوژی و از حجره تعهد می‌گریزد و اگر مسئول است، مسئول کار خویش و درون خویش است که انقلابی است و بیدار است..."^{۲۶} شاعرانی که در بیانیه شعر حجم شرکت می‌کنند عبارتند از: پرویز اسلامپور، محمود شجاعی، بهرام اردبیلی، فیروز ناجی، هوشنگ آزادی‌پور، علی‌میراد فدایی‌نیا (نویسنده)، فریدون رهنما، نصیب نصیبی (سینماگر)، پرویز زاهدی (نویسنده)، محمدرضا اصلانی، بدالله رویایی. که امضای برخی از ایشان پای بیانیه دیده می‌شود. احمدرضا چه‌گنسی، شاپور بنیاد، سیروس آتابای و چند شاعر دیگر از علاقه‌مندان و پیروان شعر حجم به شمار می‌آیند. گاه برخی

از شعرهای افراطی بدالله رویایی در این سال‌ها جنجال برانگیز می‌شود مثل شعر "هفته سوراخ": "شنبه سوراخ - یکشنبه سوراخ - دوشنبه سوراخ سوراخ - سه‌شنبه سوراخ سوراخ - چهارشنبه حرکت سوراخ‌ها - پنجشنبه سوراخ‌ها روی راه - جمعه همه سوراخ‌ها - در جاه"^{۲۷}

xalvat.com

شعرک سازان

در فاصله سال‌های ۴۰ تا ۵۰ اسماعیل نوری‌علا در مجله فردوسی صفحاتی به اسم "کارگاه شعر" را به چاپ آثار و معرفی شاعران جوان اختصاص می‌دهد. در این صفحات تاکیدی بر شعرک‌سازی می‌شود. شعرک‌ها شعرهای کوتاه ظاهراً هایکومانندی هستند که یکی از اهدافشان رسیدن به نوعی ابجاز است. کارگاه شعر تلاش می‌کند که شاعران جوان از این طریق شاهد ساخت شعری خود باشند. در بین شعرک‌سازان به نام این شاعران برمی‌خوریم: عمر فاروقی، تیمور ترنج، منوچهر نیکو، محمدعلی حجت‌پناه، عفت کیسایبی، کیان‌وش شمس‌اسحاق، اکبر بهداروند، عزت‌الله زبیدی، ف. خاتون و...

نوسرایان

نوسرایان بر آن تعداد شاعران اطلاق می‌کنیم که با توجه به تحول زبان و فضای شعر امروز، نوآوری را در قوالب شعر سنتی و عمدتاً غزل عرضه می‌دارند. نوذر پرنگ، حسین منزوی، محمدعلی بهمتی، عباس صادقی (پدرام)، ولی‌الله درودیان، هومن ذکایی از این دسته‌اند. گرچه شاعران نوپرداز معاصر منوچهر نیستانی، منوچهر آنتشی، اسماعیل خوبی، اخوان ثالث، سایه و... گاه به سرودن غزل روی می‌آورند اما این عنوان - نوسرایان - ویژگی آثار غزلسرایان حرفه‌ای معاصر را مورد نظر دارد.

ناگفته پیداست که غزل‌های سیمین بهبهانی در این میان درخشش کم‌نظیری دارد.

که سوابق آن به پیش از سال ۴۰ می‌رسد. اصغر واقدی نیز در کار غزلسرای تجریباتی دارد.

شعر ۵۰ تا ۵۲ (شعر مقاومت)

در این هفت‌سال نیز با شعر شاعرانی مثل شاملو، اخوان، کسرائی، خوبی، طاهره صفارزاده، نادرپور، شاهرودی، منوچهر آتشی، شفیعی کدکنی، فرخ تمیمی و... به سر می‌بریم و با شعر شاعران جوانتری که از "شب‌های شعر خوسه" (کتاب خوسه) به "ده شب" می‌رسند. مجموع شاعران این سال‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. الف - شاعرانی که گرفتار مسایل فردی خویشند و به مقوله‌های شعر عرفانی، تغزل و تجرید و به فورمالیسم روی می‌آورند. بی‌توجه به تحولات سیاسی جامعه و "هراسان از انقلاب". ب - شاعرانی که در کنار ویا در متن رویدادهای جامعه نفس می‌کشند و یا ضرورتاً از تفکرات مجرد بیرون می‌خزند. کتاب "ده شب شاعران و نویسندگان" تاحدی دربرگیرنده آثار از هر دو گروه شاعران است. گرچه گروه اول نیز سعی می‌کنند در این شب‌ها شعرهای آبرومندی بخوانند. به مقطع انقلاب که نزدیک می‌شویم سر خصلت‌های مقاومت شعر امروز افزوده می‌شود: " آه اگر آزادی سرودی می‌خواند - کوچک - همچون گلگاه پرنده‌یی - هیچ‌کجا دیواری فروریخته برجای نمی‌ماند " شاملو - دشته در دیس)".

کم‌کم لایه‌های سمبولیک شعر گشوده می‌شود و شاعران در پی یافتن زبانی تازه می‌کوشند. هرچند ترک اعتیادهای ذهن و زبان برای آنان کار ساده‌ای نیست. به‌هرحال شعر از رکود سال‌های ۵۳، ۵۴ و... رها می‌شود و بر بویایی خود اصرار می‌ورزد. و گاه با همکاری اسطوره و احادیث و عناصر مذهبی: "با تو و در کنار تو نفس می‌کشم - من اهل مذهب بیدارتم - و خانها در آنسوی خیابانی‌ست - که مردم عایق - در

آن گذر دارند - صدای هقهقی از دور دست می‌آید -... تبیت پیدا ای لهب و تب، صفارزاده سفر پنجم" و صداهای معترض دیگری نیز شنیده می‌شود...

"دشنه در دیس" شاملو، مجموعه شعرهای نادرپور - "شام یازمین" و... - "سفر پنجم" صفارزاده، "با من طلوع کن" م. آزاد، "مشت در جیب" زهری، مجموعه شعرهای شفیعی کدکنی - "در کوچه باغ‌های نیشابور" و... - و چند مجموعه شعر از شاعران جوان در همین فاصله منتشر می‌شود. در این مجموعه شعرها، عوارض سانسور و اختناق حاکم بر جامعه بخوبی قابل مشاهده است.

xalvat.com

شعر ناب

اما قبل از مقطع انقلاب، نوعی شعر که بعدها عنوان شعر ناب (موج ناب) به خود می‌گیرد مورد حمایت بعضی از شاعران صاحب‌نام مثل منوچهر آتشی واقع می‌شود. آتشی گرچه بر برخی از جنبه‌های اینگونه شعرها تاکید بیشتری دارد اما عملاً سرایندگان این شعرها را زیر پر و بال خود می‌گیرد. و موجبات رشد و دلگرمی آنان را فراهم می‌سازد.^{۱۸} شاعرانی مثل، هوشنگ چالنگی، هرمز علیپور، آریا آریابور، سیروس رادمنش، فیروزه میزانی، یارمحمد اسدیپور، مرید میرقاید و... این نوع شعر، دارای خط‌ناثیرگذاری ویژه‌ای نیز هست.^{۱۹} از طرفی زمینه پیدایش "موج ناب" به پیش از سالهای ۵۰ نیز مربوط می‌شود.

شعر جنبش

به شعر مقاومت برمی‌گردیم. در این سالها علاوه بر شاعرانی که اعتراض را به صورتی سمبولیک عرضه می‌کنند و خصلت‌های مقاومت را در شعر پررنگتر می‌سازند، نوعی شعر نیز مطرح است که شتاب بیشتری در بیان مسایل سیاسی دارد. شعری که عمدتاً زبان مبارزاتی خود را بکار می‌گیرد. این شعرها در

کتاب "شعر جنبش نوین ایران" (انتشارات توس ۱۳۵۷) آمده است:^۵
 شعر امروز ایران بادرک و دریافت مسائل جدید سیاسی - اجتماعی (بیشزمینه‌های فرهنگی - اقتصادی انقلاب)، به نوعی اشباع در زمینه قالب و محتوا و زبان و... نزدیک می‌شود. هم از این‌رو زمینه دگرگونی در روند ذهن و زبان شاعران معاصر از بدو انقلاب کاملاً محسوس است.

۳۵۷، ۲۹- مجله آرش ۱۳۴۳ (گفتگوی فروغ فرخزاد)، ۳۵- نگاه کنید صور و اسباب ص ۴۱۲ به بعد، ۳۱- نگاه کنید مجله‌های فردوسی شماره‌های ۴، ۶، ۸ سال ۴۶ و ۴۶ و ۸۲۰ و ۸۵۴ سال ۴۷ و ۸۴۵ سال ۴۸، ۳۲- آرش ویژه شعر سال ۱۳۴۴، ۳۳- صور و اسباب ص ۳۰۳، ۳۴- جنگ طرفه شماره ۲، ۳۵- جزوه شعر، شماره اول ۱۳۴۵، ۳۶- بازار رشت شماره ۲۴، ۳۷- صور و اسباب ص ۳۱۷، ۳۸- آرش ویژه فروغ شماره ۱۳ اسفند ۴۵، ۳۹- خوشه شماره ۵۴۴ سال ۱۳۴۵، ۴۰- شعر نو از آغاز تا امروز ص ۳۲ و سایه روشن شعر فارسی از ص ۱۸۷ به بعد، مجله نگین شماره ۳۵/۱۳۴۷، طلا درمس، ۴۱- جزوه شعر شماره ۹ (احمد رضا احمدی) / ۱۳۴۵، ۴۲- نگاه کنید صور و اسباب ص ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۵۳۵، ۴۳- یدالله رویایی، هلاک عقل بوقت اندیشیدن ص ۵۸ و ۹۵، ۴۴- بررسی کتاب دوره جدید شماره ۴، ۴۵- یدالله رویایی از سکوی سرخ ص ۱۴۴، ۴۸- دوره مجله تماشا بال‌های ۵۵ و ۵۶، ۴۹- نگاه کنید شعر شهادت است فرامرز سلیمانی ص ۱۲۴ و ۱۲۵، ۵۰- ادوار شعر فارسی ص ۷۸ و شعر شهادت است ص ۱۵ تا ۱۹، ۵۱- گزارش شعر ۵۷ تا ۶۷ درخور مقاله جداگانه‌ای است.



شماره ۲۶ آدینه

